

## الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی\*

E-mail: farmahinifar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۸

### چکیده

تکوین تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان در داخل و خارج کشور را به خود مشغول کرده است. در این راستا براساس دیدگاه مقام معظم رهبری باید مراحل پنج‌گانه‌ای برای نیل به تمدن نوین اسلامی برداشت. این مراحل به ترتیب عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. ما امروز در زنجیره تمدن‌سازی اسلامی در مرحله‌ی دولت اسلامی قرار داریم. در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به‌طور همزمان دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن مورد توجه قرار گیرد. بررسی حاضر با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که چه اقتضائات و الزامات ابزاری (سخت‌افزاری) و چه اقتضائات و الزامات اصلی و حقیقی (نرم‌افزاری) برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ضروری است. مقاله حاضر الزامات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را در سه بعد دانش، نگرش و توانش طبقه‌بندی خواهد کرد و در قالب جداول مشخصی مورد بررسی قرار خواهد داد.

**کلید واژه‌ها:** تمدن نوین اسلامی، بعد نرم‌افزاری تمدن، بعد سخت‌افزاری تمدن، الزامات.



## مقدمه

تمدن نوین اسلامی در پی آن است که ضمن بهره‌برداری از امکانات و ابزارهایی که در اثر پیشرفت‌های علمی و فنی تمدنی بشر به دست آمده است، در کنار ایجاد رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی بشر را نیز به او عطا کند. تحقق تمدن نوین اسلامی بدون داشتن نقشه‌ی راه و چارچوب و الگویی جامع و پیشرو ممکن نخواهد بود. البته این الگو باید بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار باشد. در جهت ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به‌طور همزمان هر دو جنبه ابزاری و سخت‌افزاری تمدن مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه لازم است شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در سه سطح شناختی، ارزشی و رفتاری به‌عنوان الزامات مورد توجه قرار گیرد. چنین خاستگاهی مجموعه‌ای از الگوهای معرفتی، ارزشی و رفتاری را فراهم می‌سازد که هویت خود را در قالب سبک زندگی اسلامی - ایرانی به‌طور رسانند. در تمدن‌سازی نیاز است به ابعاد سه‌گانه‌ی دانش، نگرش و توانش توجه شود. عینیت پیدا کردن مسیر بستگی به دانش دارد و در این زمینه باید نگرش‌های لازم و مثبت ایجاد شود و با حفظ ارزش‌ها، دانش را به تکنولوژی و عمل تبدیل کرد. این سه حوزه لاینفک از هم هستند.

## پیشینه تحقیق

اخیراً مطالعات زیادی در رابطه با تمدن نوین اسلامی صورت گرفته، لیکن در ادامه فقط به پژوهش‌هایی اشاره خواهد شد که مستقیماً با موضوع تحقیق مرتبط هستند. ملاشاهی (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی خود «اقتضائات تحقق تمدن نوین» به تحلیل استلزامات و اقتضائات در سه بعد اساسی یعنی: عقلانی، اخلاقی و معنوی تمدن‌سازی پرداخته و در هر کدام نسبت و رابطه سه عنصر مذکور را با موضوع تمدن بررسی می‌کند. در بُعد اخلاقی تمدن‌سازی اسلامی مؤلفه‌های متعددی از قبیل: حس کرامت، اصالت اخلاقی، پرهیز از خودستایی، مدارا و سعه‌صدر، مهرورزی و در بُعد عقلانی مؤلفه‌های: اجتهاد پویا، مدیریت کارآمد، اهتمام به دانش بومی، عبرت‌گیری و هم‌چنین در بُعد معنوی مؤلفه‌های: نگرش توحیدی، مقابله با عناصر معنوی کاذب و تبیین درست مؤلفه‌های معنوی، مشخص شده و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی تجزیه و تحلیل شده‌اند. رجبی دوانی و خزاعی (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی خود، عناصر تمدن نوین اسلامی را عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی، علم‌گرایی، جامع‌گرایی، جهان‌گرایی، آسان‌گیری و

اخلاق‌گرایی معرفی کرده‌اند و از الزامات تمدن‌سازی نوین اسلامی به این موارد اشاره کرده‌اند: توجه به علوم و معارف قرآنی، تلاش مجدانه با اعتقاد راسخ، تدوین نقشه‌ی راهبردی و کلان تربیت انسان متعالی، رعایت ارزش‌های اخلاقی در بعد علمی و عملی، بومی‌سازی علمی و فرهنگی، اصلاح سبک زندگی و رعایت ارزش‌های اخلاقی. جهان‌بین و معینی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» ضمن بررسی مفهوم تمدن اسلامی در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی و مراحل پیشروی انقلاب، از بیانات ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که برای تحقق سه مرحله از زنجیره تمدن نوین اسلامی (دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) پیمودن چهار گام لازم است که عبارتند از: تولید نظریه توسط حوزه‌ی علمیه، تولید علم توسط دانشگاه، کاربست در سطح خرد توسط گروه‌های خودجوش نخبگانی و گفتمان‌سازی. «نوربرت الیاس» جامعه‌شناس پست‌مدرن در کتاب فرایند متمدن شدن بر این باور است که گسترش تمدن نه امری عقلانی و منطقی است و نه امری غیرعقلانی. این فرایند کورکورانه شروع می‌شود و حرکت آن از طریق پویایی درونی شبکه‌ی روابط و نیز از طریق تغییرات معینی که در وابستگی‌های متقابل افراد اتفاق می‌افتد، ادامه می‌یابد (ون کریکن، ۱۳۸۶)، الیاس معتقد است متمدن شدن نوعی فرآیند آموزش «غیرارادی» برای نوع بشر است که در نخستین روزهای بشری آغاز شده و به‌رغم پسگردهای بسیار تا به امروز ادامه یافته است. غایت این فرآیند نامعلوم، اما «جهت» آن معلوم و مشخص است. الیاس معتقد است فرآیند متمدن شدن محصول برنامه‌ریزی دقیق و درازمدت نیست، اما «نظم» مشخصی دارد (الیاس، ۱۳۷۷). وی معتقد است متمدن شدن را نمی‌توان برحسب عوامل «سلامتی و بهداشت»، «مادی و اقتصادی» و «دینداری» تبیین کرد. اصلی‌ترین هدف الیاس در فرآیند متمدن شدن حرکت به سوی درکی از چگونگی ارتباط بین روند تغییر در ساختار روانی انسان (تکوین روانی) و روند تغییر در ساختار اجتماعی (تکوین اجتماعی) است (مجدالدین، ۱۳۸۳).

### سؤالات تحقیق

۱- الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی در جنبه سخت‌افزاری، در سه بعد دانش، نگرش و توانش کدامند؟

۲- الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی در جنبه نرم‌افزاری در سه بعد دانش، نگرش و توانش کدامند؟

### چارچوب مفهومی تحقیق

نمودار زیر چارچوب مفهومی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تحقیق حاضر را به تصویر می‌کشد. و براساس این چارچوب الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی به تفکیک سه بعد دانش، نگرش و توانش به تفکیک خواهد آمد.



### روش تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق از منابع موجود اعم از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و جست‌وجوی اینترنتی استفاده شده است. مطالعه حاضر از نوع تحقیقات بنیادی و نظری است که از روش توصیفی تحلیلی برای شناسایی الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی بهره گرفته شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات فرم فیش‌برداری بوده است.

### یافته‌های تحقیق

در پاسخ به سؤال اول تحقیق در رابطه با الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی در جنبه سخت‌افزاری این الزامات به تفکیک در سه بعد دانش، نگرش و توانش عبارتند از:

#### الف) الزامات جنبه سخت افزاری (ابزاری) در بعد دانش

۱- وجود دانشگاه تمدن‌ساز: تمدن‌سازی، نیروهای تربیت شده‌ای را می‌طلبد که آگاهانه و با بصیرت تاریخی، پیام و رسالت تمدن‌سازی را در جامعه دمیده و اجزاء، زیرساخت‌ها و نیازهای تمدن جدید را برآورده سازند. این وظیفه مهم می‌تواند برعهده یک دانشگاه تمدن‌ساز باشد. دانشگاه از مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد هر تمدنی است، تا بدان حد که می‌توان به جرأت ادعا کرد دانشگاه‌ها به‌عنوان

ستون‌های برپادارنده‌ی تمدن هستند و بدون دانشگاه هیچ تمدنی ره به جایی نخواهد برد. در عصر جدید کارکرد دانشگاه تنها در آموزش، پژوهش، کارآفرینی خلاصه نمی‌شود، بلکه در نقش یک پایگاه معرفتی به فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی نوین می‌پردازد. این نهاد بزرگ اجتماعی هم‌چنین به‌عنوان هسته‌ی پیشتاز تحولات عمل کرده و از طریق رصد تغییرات اجتماعی و فرهنگی، جامعه را برای تسلط بر رویدادهای مهم آینده توانمند و مهیا می‌کند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴: ۱۰). دانشگاه تمدن‌ساز محیطی است با ساختار هوشمند و خالق که دغدغه‌ی بازاندیشی تمدنی و بازسازی اجتماعی دارد و در پی تولید و اشاعه الگوی تمدنی، فرهنگی و اجتماعی اصیل منطبق با زمانه است (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

**۲- نوآوری در عرصه علمی:** این نوآوری، به معنی تعطیلی تمدن غرب در فضای کنونی نیست، بلکه به معنی عبور از این تمدن است. نمی‌توان با اتکا به دست‌آوردهای دیگران که در مسیر اهداف و ارزش‌های دیگری طراحی شده است، برای احیای تمدن دینی مبتنی بر هویت اسلامی و ارزش‌های اسلامی تلاش کرد. بنابراین، نیاز قطعی به نوآوری پیدا می‌شود.

**۳- افزایش دانش سیاسی جهت تعاملات بین‌المللی:** در جهان کنونی و شرایط حاکم بر کشورهای در حال توسعه که متأسفانه سهم بسیار اندکی در تولید علم و فناوری جهانی دارند، اتخاذ راهبردی مشارکت‌جویانه در همکاری‌ها و روابط علمی بین‌المللی، ضرورتی غیرقابل انکار است. در این رابطه باید به این واقعیت نیز توجه داشت که در فرایند جهانی‌شدن به دلیل پیچیدگی و نفوذ گسترده‌ی شبکه‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی نظام حاکم بین‌المللی، با اتخاذ راهکارهای اصولی باید از افتادن در دام جهانی‌سازی قدرت‌های بزرگ مصون ماند.

**۴- رشد علمی:** در این زمینه ضروری است راهبردهای کلان توسعه‌ی علم و فناوری همچون نقشه علمی کشور. البته با تأکید بر ویژگی‌ها و ظرفیت‌های کشورهای اسلامی برای افق بیست ساله و پنجاه ساله تدوین شود. از جمله راهبردها و اقدامات کلیدی برای رشد و توسعه‌ی علمی می‌توان به اصلاح ساختارها و نهادهای علم و فناوری و انسجام بخشیدن به آنها و هماهنگ‌سازی نظام تعلیم و تربیت و تعامل فعال و اثرگذار در حوزه‌ی علم و فناوری با کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام اشاره کرد.



۵- **عامل انسانی آگاه (تربیت نیروی انسانی و مدیران لایق):** از دیگر الزامات تحقق تمدن اسلامی، ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلاب اسلامی در تحقق تمدن اسلامی است. تحول تنها در سایه نیروی انسانی شکل می‌گیرد. تمدن‌سازی پدیده‌ای چند بُعدی است که به مدیریت کارآمد نیاز مبرم دارد (ملکی و ملکی، ۱۳۹۲: ۵۹۳).

۶- **اجتهاد پویا:** «جاودانگی» و «جهانی بودن» تعالیم اسلام، متضمن ظرفیت علمی و پژوهشی پایان‌ناپذیری است که به موجب آن عالمان دینی این امکان را می‌یابند که بر محوریت اجتهادی پویا، پاسخ‌های اسلامی در خوری را ارائه کنند. همین مقابله سرافرازانه دین در قبال پدیده‌های جدید و نوظهور موجب اثبات کارآمدی دین و پذیرش مشتاقانه آن از سوی عموم انسان‌ها می‌شود (ملکی و ملکی، ۱۳۹۲: ۵۹۳). «اجتهاد دینی» را باید حد وسط میان «تججر» و «تجدد» دانست. که هر کدام به‌طور جداگانه سد راه تولد و تداوم تمدن اسلامی به شمار می‌آیند.

### ب) الزامات جنبه سخت‌افزاری در بعد نگرش

۱- **خودباوری:** احساس هویت و خودباوری، به معنی اتکا به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های خودی است. اگر بخواهیم در مقابل جامعه آرمانی که تمدن مادی پیش‌روی بشر قرار داده است، افقی جدید بگشاییم باید خودباور باشیم. در واقع اولین گامی که در این راستا باید برداشته شود ایجاد خودباوری در امت اسلامی است. همان چیزی که در واقع با انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است. خودباوری، در مقابل مسیری است که دشمنان برای منحل کردن تمدن دینی در تمدن مادی خودش، پی گرفته‌اند و آن، «تحقیر»، «فریفتگی» و «انحلال» امت اسلامی است.

۲- **معرفی ظرفیت تمدن‌سازی اسلام با به‌کارگیری ابزارهای تبلیغ:** شناساندن تمدن و تاریخ درخشان اسلام و هم‌چنین دستاوردهای آن، مستلزم یک نظام تبلیغاتی کارگشاست. بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و با زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات ضروری است.

۳- **اعتبار بین‌المللی و مقابله با اسلام‌هراسی:** ایجاد اسلام‌هراسی به راهبردی فعال

نزد بازیگران غربی تبدیل شده است که با استفاده از ابزارهای مختلف، آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و حتی نظامی در پی توسعه‌ی ابعاد و عمق بخشی به آن می‌باشند؛ اگرچه مصادیق اسلام‌هراسی ریشه در تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه‌ی جهانی دارد، به‌طور مشخص در دهه‌ی ۹۰ اصطلاح «اسلام‌هراسی» وارد ادبیات غربی شده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹) از آن پس، شاهد سیر تحول این اصطلاح و پدید آمدن تعابیر مختلف آن هستیم. تنوع تلقی‌ها در این زمینه تا آنجاست که می‌توان آن‌ها را در دو گروه متفاوت «بدبین» (آن‌ها که اسلام‌هراسی را ناظر بر ماهیت اسلامی می‌دانند) و خوشبین (آن‌ها که آن را وسیله‌ای برای نظام سیاسی لیبرال برای ضربه‌زدن به جهان اسلام ارزیابی می‌کنند)، دسته‌بندی کرد (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۵). متأسفانه گروه‌هایی افراطی چون طالبان و تفکراتی همانند «القاعده» به این اسلام‌هراسی دامن می‌زنند (سیداحمد و الشبوکی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

**۴- احساس امنیت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، روانی و غیره):** هر الگو و مدلی برای تمدن‌سازی، با امنیت پیوند عمیق دارد. امنیت در ابعاد مختلف از جمله امنیت فرهنگی و اجتماعی برای رشد و تعالی جامعه لازم و ضروری است. جامعه‌ای که در آن هرج و مرج حاکم است و رعایت قانون در دستور کار مردم و در اجتماع قرار ندارد، روی امنیت را نخواهد دید (عزیزانی، ۱۳۹۰). پایه و اساس هر حرکتی امنیت است. چنانچه امنیت اجتماعی برقرار باشد، مسیر برای حرکت به سمت پیشرفت و فعالیت اقتصادی باز است. در غیر این صورت، همه‌ی راه‌های پیشرفت به بن‌بست ختم خواهند شد. رسیدن به امنیت اقتصادی برای حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین نیازمند برپایی عدالت اجتماعی است که این مهم، جز از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب و همدمند به دست نمی‌آید (چگینی، ۱۳۸۴؛ خلیلی، ۱۳۸۴).

### ج) الزامات جنبه سخت افزاری در بعد توانش

**۱- اقتدار (اجتماعی، سیاسی و نظامی):** اقتدار از اساسی‌ترین مؤلفه‌های «پایداری» و «پایداری» یک نظام سیاسی است. تولد و تداوم نظام‌ها و بلکه تمدن‌ها به میزان اقتدار آن‌ها بستگی دارد. مهجوریت اندیشه حق، نشان می‌دهد که صرف حقانیت، برای حاکمیت یافتن آن کافی نیست و حاکمیت اندیشه‌های باطل در طول تاریخ نشان می‌دهد که غیر حق نیز می‌تواند به حاکمیت برسد. بنابراین، تولد و تداوم نظام‌ها و



تمدن‌ها مبتنی بر «اقتدار» آنهاست و مرگ آن‌ها ریشه در ضعف و نبود اقتدار دارد. اقتدار در فلسفه‌ی سیاسی اسلام، مبتنی بر «اتحاد دینی» است. تفکر سیاسی اسلام، نه قدرت کارزماتیک را مبنای اصلی اقتدار می‌داند و نه قدرت نظامی و اقتصادی و نه هیچ قدرت دیگری، بلکه نظریه‌ی اسلام در باب اقتدار، «قدرت اجتماعی» برآمده از اتحاد و همراهی مردم است (پسندیده، ۱۳۹۳).

**۲- انضباط کاری:** وجدان کاری و انضباط پیش شرط مهم تحقق برنامه‌های پیشرفت جامعه است. انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد و هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهد. از آثار و نتایج نظم و انضباط، محکم کاری است. کسی که منظم است، کارهایش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که استوار و پایدار باشد. چنین کسی، از سستی و سهل‌انگاری در کار بیزار است.

**۳- مسجد به‌عنوان پایگاه مقبول اجتماعی:** برای ایجاد، گسترش و همگانی کردن تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی لازم است به این پایگاه مهم توجه کافی مبذول شود «در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت قادر به دسترسی بدان نیست و آن نهاد مسجد است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند.» (هیكل، ترجمه احمدی، ۱۳۶۳: ۲۳۶). مسجد به واسطه ارتباط مستقیم میان ارتباط‌گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دریافت بازخوردهای فوری و تأثیر عاطفی و احساسی می‌تواند به‌عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش پردازند و بنیان‌های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کنند (طوقانی، ۱۳۹۲). در پاسخ به سؤال دوم تحقیق در رابطه با الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی در جنبه نرم‌افزاری، این الزامات به تفکیک در سه بعد دانش، نگرش و توانش عبارتند از:

#### الف) الزامات جنبه نرم‌افزاری در بعد دانش

**۱- تبیین مبانی نظری و فلسفی و تئوریک در زمینه سبک و سلوک زندگی:** با نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت فرهنگی و شیوه‌زندگی جامعه می‌توان دریافت که مشکلات فرهنگی و اجتماعی صرفاً ناشی از تهاجم فرهنگی غرب نیستند، بلکه ناشی از نبود مبانی نظری و فلسفی و تئوریک در زمینه سبک و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه است. در زمینه سبک زندگی عموم توجه به روبنا و ظواهر زندگی انسان‌ها است و در باب مبانی فلسفی و نظری نیازمند نظریه‌ها و دیدگاه‌های تئوریک هستیم.



۲- **توحیدگرایی:** در واقع توحیدگرایی الزامات معرفتی، ارزشی و رفتاری افراد را در روند تصمیم‌گیری در عرصه اجتماع فراهم می‌سازد. تمدن‌سازی مانند هر سازه و یا سیستم مادی و معنوی دیگر محتاج مصالح و مواد اولیه مناسب است. مواد اولیه تمدن‌سازی دینی مفاهیم، علوم و معارف قرآنی‌اند.

۳- **نوآوری در عرصه فرهنگی:** نوآوری فرهنگی باعث شکوفایی استعدادها و منابع مادی و انسانی جامعه می‌شود. مهندسی و نوآوری فرهنگی بهترین راه سرمایه‌گذاری مادام‌العمر (جاودان) برای هر کشوری است (زلفیگل، قدسی، کیانی و بختیاری، ۱۳۸۷).

۴- **عقلانیت اسلامی:** عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره‌مندی از قوه عاقله در جهت گرایش‌های عالی انسانی و الهی تعقل می‌کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می‌دهد. «در واقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی‌آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک‌سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد، برای عموم تشریح کنند.» (لاریجانی، ۱۳۷۰: ۲۳). «عقلانیت» در فرایند تمدن‌سازی اسلامی از جهتی هم «طریقت» دارد و هم به‌عنوان رکن یا وسیله در برپایی تمدن اسلامی باید مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر نه تنها در طراحی و مهندسی تمدن اسلامی باید عقلانی عمل کنیم و از مؤلفه‌های مورد تأیید عقل مدد بگیریم؛ بلکه در خلق تمدن نیز به رکن رکن «عقلانیت» سخت نیازمندیم (ملکی و ملکی، ۱۳۹۲). با عنایت به جایگاه ممتاز و برجسته‌ای که «عقلانیت» در ساختار کلی تمدن اسلامی دارد، می‌توان از یک منظر تمدن اسلامی را «تمدن معقول» نام نهاد. لذا به جرأت می‌توان گفت بدون تربیت عناصر عاقل، تمدن‌سازی اسلامی امری محال و ناممکن خواهد بود. «عالم شدن نیست ولی عاقل شدن دشوار است و تمام تلاش دین این است که انسان را پس از عالم شدن عاقل کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

۵- **تبیین نظری و برخورداری از اقتصاد پویا:** وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه مسلمانان همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مؤلفه با مشکل روبه‌رو شود، تأثیر فراوانی بر سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه



خواهد گذاشت. همان‌طور که می‌دانیم، تقریباً تمامی کشورهای مسلمان از عدم توسعه پایدار رنج می‌برند؛ گرچه طی سال‌های اخیر توانسته‌اند به جلو حرکت کنند، اما اقتصاد این کشورها همچنان دچار مشکلات عدیده است که مستلزم دگرگونی در اقتصاد رانتهی و مسائل مرتبط با آن است (رضایی، ۱۳۸۸: ۹۳). استقلال اقتصادی همانند استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عناصر محوری تمدن است.

**۶- آگاهی از ارزش‌های ایرانی - اسلامی:** لازم است امت اسلامی و آحاد جمعیت مسلمانان از ارزش‌های اسلامی در حوزه مصرف (نوع مسکن، نوع خرید و مصرف)، اوقات فراغت (کسب و کار و تفریحات)، پوشش (نوع لباس) تعاملات اجتماعی (ازدواج، رعایت حقوق خانواده، حقوق اجتماعی) آگاهی یابند. و از آن گذشته هر کشوری ارزش‌های خاص خود را دارد که طی نسل‌های متمادی به آنها رسیده و جزء سواد فرهنگی آنها محسوب می‌شود، که البته قابل احترام است.

**۷- فرهنگ‌سازی:** هویت اصلی نظام اسلامی، فرهنگی است و لذا مسئولیت علما و دانشمندان، دین‌شناسان و کارشناسان دینی در اداره‌ی فرهنگ جامعه و تغذیه‌ی فرهنگی آن بسیار مهم است. یکی از نقش‌های اساسی حوزه و دانشگاه در تحقق دولت و تمدن اسلامی، حضور در فرهنگ‌سازی است.

#### **ب) الزامات جنبه نرم‌افزاری در بعد نگرش**

این الزامات در دو بخش اساسی قابل طرح است. بخش مربوط به ایجاد و تقویت ارزش‌های دینی و بخش مربوط به ایجاد نگرش مطلوب.

**- بخش مربوط به ایجاد و تقویت ارزش‌های دینی:** اگر ساحت ارزش و اخلاق را با آن پهنای وسیعی که در تعالیم دینی دارد به «نگین تمدن اسلامی» لقب دهیم، سخن به جایی است. شوکت و درخشش تمدن اسلامی مرهون رشد روز افزون ارزش‌ها و شاخص‌های اخلاقی در زمینه‌های گوناگون است. از مهم‌ترین این ارزش‌ها می‌توان به صداقت در معاشرت، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، تقویت حس کرامت، مدارا و سعه‌صدر، صبر و تحمل در رسیدن به نتیجه مطلوب، قانون‌مداری و اخلاق حرفه‌ای کوتاه اشاره کرد:

**۱- اخلاق حرفه‌ای:** اخلاق حرفه‌ای به چگونگی رفتار، ادب و عمل شخص هنگام انجام کار حرفه‌ای می‌پردازد. اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها در یک ساختار حرفه‌ای را تعیین می‌کند، و

مفهوم آن از علم اخلاق اتخاذ شده است. به عبارت دیگر، مجموعه قوانین اخلاقی که از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده، اخلاق حرفه ای نام دارد (قراملکی، ۱۳۸۸). هدف از اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی است که فرد در شغل خود دارد (شریفیان و عابدی، ۱۳۹۱). از اصول اخلاقی با توجه به آموزه‌های دینی می‌توان به: اصل احترام و تکریم، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل قانون‌مداری، اصل مدارا و سعه‌صدر، اصل نقادی و انتقادپذیری، اصل اعتدال، اصل فروتنی و مهربانی و اصل رازداری اشاره کرد (فرمehینی فراهانی و اشرفی، ۱۳۹۳: ۴۵).

**۲- تقویت حس کرامت:** «اخلاق در اسلام بر محور خودشناسی و احساس کرامت در خود واقعی بنا شده است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۲۱). در فرایند تمدن‌سازی، گاهی متغیرهایی مزاحم و اخلاک‌گر که هدفی جز تحقیر و بی‌هویت کردن جامعه پیشرو ندارند، قد علم می‌کنند. در برابر این متغیرها تنها با توسل به عامل ارزشی کرامت، می‌توان ایستادگی و مقاومت کرد. «ملتی که احساس حقارت کرد و به جای محور دیدن ارزش‌های خویش، ارزش‌های دیگران در نگاه او جلوه نمود، به تدریج هویت و کرامت آن ملت و امت از کف خواهد رفت» (میرباقری، ۱۳۹۱: ۱).

**۳- مدارا و سعه‌صدر:** «سعه‌صدر» همچون «تساهل و مدارا» از لوازم اخلاقی اجتناب‌ناپذیر در امر تمدن‌سازی است. جامعه سالم و اخلاق‌مدار که تمدن اخلاقی ثمره آنست مرهون تلاش مربیان و مدیران با ضریب تحمل بالاست. «امرا» و «علما» دو طیفی هستند که به دلیل نقش الگویی که دارند؛ بیش از سایرین مؤظف به پروارندن این صفت در خویش‌اند. همواره حاصل جمع عملکرد این دو گروه، حد قابلیت جامعه را برای دستیابی به قله‌های پیشرفت و تمدن نشان می‌دهد.

**۴- صبر و تحمل در رسیدن به نتیجه مطلوب (استقامت و مقاومت):** «استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیوردن. اینها اساس کار است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱). باید گفت لازمه رسیدن به اهداف عالی اسلامی، استقامت و مقاومت در برابر ابر قدرت‌ها و دفاع از مستضعفین و مظلومین در سطح عالم است.

**۵- امر به معروف و نهی از منکر:** امر به معروف و نهی از منکر این واجب



فراموش شده‌ی اسلام یک وظیفه‌ی عمومی و از مهم‌ترین واجبات اجتماعی اسلام محسوب می‌شود.

**۶- مسئولیت‌پذیری و اهتمام داشتن به امور:** یکی از الزامات فرهنگی الگوی پیشرفت، وجود فرهنگ مسئولیت‌پذیری است؛ به این معنا که افراد پایبند و متعهد به امور باشند و در قبال کارهایشان مسئولیت آن را بپذیرند و در عین حال مسئولیتی که به آنها محول شده است را به نحو احسن انجام دهند و هرگونه سهل‌انگاری و کوتاهی در امور را باعث ناکارآمدی و کاهش بهره‌وری و کارایی نظام اسلامی تلقی کنند.

#### **- بخش مربوط به ایجاد نگرش مطلوب**

**۱- تغییر نگرش به نقش خانواده:** اهمیت جایگاه و محوریت خانواده، نحوه ارتباط پدر و مادر و اهمیت باهم بودن و در کنار هم بودن اعضای خانواده از وجوه تمایز سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی است. در سبک زندگی ایرانی - اسلامی روابط گسترده خانوادگی از اهمیت برخوردار است.

**۲- تغییر نگرش نسبت به افزایش جمعیت مسلمانان (افزایش منطقی جمعیت مسلمان):** امروزه جمعیت به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر قدرت دولت‌ها شناخته می‌شود. البته جمعیت هم دارای ویژگی‌های کمی و کیفی از لحاظ وجود تخصص، تعداد نیروهای نظامی، میزان رشد و سطح سواد است.

**۳- ایجاد نگرش مطلوب نسبت به کار جمعی (فرهنگ کار و تلاش مجدانه):** وجود پیشرفت در سطوح گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مربوط به گسترش فرهنگ وجدان کاری است که بر میزان تلاش و همت می‌افزاید و پیشرفت همه جانبه‌ای را به همراه خواهد داشت (جواد قریبی، ۱۳۹۲).

**۴- آینده‌نگری:** آینده‌نگری و توجه به پیامدهای رفتار، یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند چارچوبی برای سبک زندگی اسلامی و نقشه‌ی راهی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باشد. دین اسلام علاوه بر نوید آینده‌ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور برای ایجاد جامعه‌ای مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است. جامعه اسلامی همواره باید بکوشد تا حرکتش، حرکتی تکاملی و رو به رشد بوده و همواره نوعی آینده‌پژوهی دینی را مدنظر قرار دهد.

**۵- معرفی و تغییر نگاه تمدن غرب به تمدن نوین اسلامی:** راه درست عرضه

اسلام و معرفی آن، شناخت درست اسلام و پیاده کردن آن در جامعه است. گوستاولوبون در این خصوص معتقد است احکامی از قبیل وضو، غسل، تحریم مسکرات و یا آنچه در قرآن ذکر شده در نهایت حکمت بیان شده‌اند که برای حفظ سلامتی مفید و نافع است. دستورات و تعلیماتی هم که در این باب از شخص پیامبر رسیده تماماً متین و غیرقابل اعتراض است (موسوی لاری، ۱۳۸۰). نمونه عملی چنین معرفی را می‌توان در نامه رهبر انقلاب به جوانان غربی دید. رهبر انقلاب در این نامه از جوانان غرب می‌خواهد در خصوص فهم دین اسلام، فضا و جو غالبی را که در رسانه‌های این کشورها وجود دارد، بشکنند و خودشان مستقیماً به سراغ دین اسلام بروند.



الزامات تحقق جنبه نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی

### ج) الزامات جنبه نرم افزاری در بعد توانش

۱- عمل به تعالیم قرآن و اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام: تمدن جامعه انسانی در آیین تدریس او ظهور می‌کند. چنین مسافری همواره با حق همراه بوده و از منظر حق، جهان، جماد و نبات و حیوان و انسان و فرشته را می‌نگرد و در قلمرو هر یک حکم مناسب دارد. در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین، ایمان است.



۲- **پرهیز از تقلید:** لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن‌های غربی است. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی موجب از هم گسیختگی اجتماعی می‌شود.

۳- **ایجاد وحدت در جهان اسلام:** از نظرگاه قرآن تمامی تعصبات ملی، قبیله‌ای، نژادی، منطقه‌ای، زبانی و غیره ملغی اعلام می‌شود و مسلمانان که معتقد به آیین اسلام هستند، در ذیل عنوان امت اسلامی جمع می‌شوند. قرآن با طرح آموزه امت واحده و امت اسلامی یکی از اصول نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی را تحقق امت اسلامی می‌داند. با توجه به شرایط نامطلوب حاکم بر اغلب دولت‌های کشورهای مسلمانان، باید با کمک پایگاه‌های سنتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف‌آفرین جلوگیری شود. این امر یکی از الزامات تحقق تمدن اسلامی است (موتقی، ۱۳۷۷).

۴- **پیروی از رهبری واحد و پرهیز از اختلافات قومی بین مسلمانان:** جدا از اختلافات مذهبی بین مسلمانان، در هر یک از کشورهای مسلمان، گروه‌های قومی متفاوتی وجود دارد که بعضاً قومیت خود را به شکل متعصبانه قبول داشته و حاضر نیستند از اصول خود برای تحقق یک تمدن مشترک کوتاه بیایند. این مسأله به‌ویژه در لبنان، سوریه و عراق که قومیت‌های مختلف دارند، نمود بیشتری دارد (براتلو و همکاران، ۱۳۸۸). هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدأ واحدی هدایت و رهبری شود.

۵- **سبک زندگی:** برای احیای تمدن اسلامی، یکی از اقدامات اولیه و ضروری، توجه ویژه به سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری متناسب با آن خواهد بود. سبک و شیوه زندگی مؤلفه‌هایی چون تشکیل خانواده و ازدواج، نوع البسه و خوراک، مسکن و معماری، الگوی مصرف، تفریحات و شیوه‌گذران اوقات فراغت، روش معیشت و کسب و کار، نوع هنر، ادبیات و سینما و غیره را تشکیل می‌دهد، برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باید در هر کدام از این بخش‌ها فرهنگ‌سازی لازم صورت گیرد. برخی از جنبه‌های سبک زندگی که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش کلیدی دارند، عبارتند از: **فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف:** مصرف و به‌طورکلی آداب مصرف کردن و پرهیز از امور تجملاتی و اسراف کردن، یک امر فرهنگی است و

ریشه در فرهنگ یک جامعه دارد. البته باید توجه داشت که مصرف در فرهنگ اسلامی ابعاد مختلفی دارد که می‌توان به حق مصرف، چگونگی مصرف، نوع مصرف، سطح مصرف، مقدار مصرف، انگیزه‌های مصرف و مواردی از این دست اشاره کرد (حاجی صادقی، ۱۳۸۸).

**رعایت مسائل رفتاری در تعاملات اجتماعی:** رعایت حقوق اجتماعی، کار جمعی، انضباط اجتماعی، قانون‌گرایی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان‌کاری نشاط اجتماعی، فرهنگ عبور و مرور، کرامت اجتماعی زن، اصلاح سبک فرزندپروری مهم‌ترین اولویت تعاملات اجتماعی امروز است.

**رعایت مسائل رفتاری در مصرف اقتصادی:** رعایت کیفیت تولید داخل، نوع مسکن، حمایت از تولید داخل، مبارزه با ربا، تضعیف روحیه سرمایه‌داری و اوقات زندگی و تفریح سالم جنبه‌هایی از این رفتارها در مسائل اقتصادی است.

**۶- استفاده از کارکردهای مسجد:** مسجد بزرگترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام است (عزیزی، ۱۳۷۶). مسجد در شهرهای اسلامی، جایگاه محوری داشته و دارد و اصلی‌ترین مکان در تمدن اسلامی است. در صدر اسلام، تمامی اموری که در مسائل اجتماعی به جهان اسلام و مسلمین مربوط می‌شد، در مسجد صورت می‌گرفت (بلخاری، ۱۳۸۳). به‌طور کلی «نقش مسجد در اسلام بسیار متمایز از معابد ادیان دیگر بوده و به‌عنوان پایگاهی که کارکردهای متنوعی داشته مورد توجه قرار گرفته است» (جوان آراسته، ۱۳۸۹). مسجد علاوه بر کارکردهای عبادی، اجتماعی - سیاسی، و تعلیم و تعلیمی، پایگاه عبودیت، انجام مراسم آیینی، انجام فعالیت‌های هنری، برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی، کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، مشورت و قضاوت، دفاع و بسیج عمومی نیز است (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹).

### نتیجه‌گیری

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی الزامات زیادی ضرورت دارد. این الزامات در دو جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ضروری است. ضمن این‌که در هر جنبه باید فعالیت‌های متعدد در سه بُعد دانش، نگرش و توانش مورد توجه قرار گیرد. شئون اساسی انسان در زندگی در سه جلوه‌ی جهان‌دانی (بینش)، جهان‌داری (دانش) و جهان‌آرایی (توانش) نمایان می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱). بنابراین اگر ما بخواهیم به



تمدن نوین مبتنی بر آموزه‌های دینی اسلام برسیم، گام اول این است که بینش و شناختی به جامعه بدهیم، نسبت به این که چه چیزهایی می‌تواند معرف سبک زندگی اسلامی باشد. صرفاً شناساندن و دادن آگاهی نمی‌تواند کفایت کند؛ چرا که داشتن آگاهی، گام اول است و گام دومی که ما را به تحقق تمدن نوین نزدیک می‌کند، این است که مواردی را که در شناخت مؤثر هستند و مدل زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهد، اشاعه دهیم، و برای پذیرش آن‌ها در جامعه ایجاد گرایش و تمایل کنیم. این ایجاد گرایش و تمایل، همان ایجاد حس ارزشمند شماری آن رفتارهاست. بینش‌ها و گرایش‌ها به یکدیگر وابسته‌اند. بینش را می‌توان مقدمه‌ای بر گرایش دانست. تا شناخت نباشد گرایش ایجاد نمی‌شود و شناخت و گرایش و احساس ارزشمندی، زمانی که باهم جمع شوند نمود رفتاری پیدا می‌کنند.

از طرف دیگر نتایج تحقیق حاضر هم نشان می‌دهد، اگر قرار است تمدن نوین اسلامی صورت گیرد، این فعالیت‌ها باید در هر دو جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری صورت گیرد و یکی را نباید فدای دیگری کرد و تحقق یکی از دو جنبه برای تحقق کافی نیست؛ بلکه هر دو باید در کنارهم تحقق یابند. ضمن این که این نکته را باید مدنظر داشت که بعد نرم‌افزاری به خاطر جنبه اساسی‌تری که دارد نمود بیشتری در زندگی فردی و اجتماعی دارد. بُعدی که به سبک زندگی شهره است و مجموعه رفتارها، کنش‌ها و علائق ما را شکل می‌دهد. نکته دیگر لحاظ دیدگاه سیستمی و نظام‌گرا در تحقق تمدن نوین اسلامی است. مدل‌سازی الگوی تمدن‌سازی اسلامی مبتنی بر نگرش‌های سیستمی و فرآیندی است.

تلاش‌ها در این زمینه باید هر سه بُعد دانش، نگرش و ارزش را شامل شود. تا زمانی که فرد و نهایتاً افراد جامعه دانش و آگاهی لازم را در مورد تمدن نوین اسلامی پیدا نکنند و در ادامه آن نگرش مثبت ضرورت ایجاد و تکوین تمدن اسلامی را درنیابند و در عرصه عمل هم موفق به پیاده‌سازی آن نشوند. زنجیره تحقق تمدن نوین اسلامی ابتر می‌ماند. تمدن‌سازی امری پیچیده است و متغیرهای زیادی در آن دخیل است. همان‌طور که مقاله حاضر نیز مبین این امر است. قطعاً تمدن بر پایه‌ی یک پشتوانه نظری است، ولی خود تمدن از جنس فعل است. حصول هیچ تمدنی، دفعی نیست. مسلم است که تمدن‌سازی در یک فرآیند تاریخی شکل می‌گیرد و نباید انتظار داشت که یک‌باره همه‌ی لوازم آن احصاء شود. برای همراهی جامعه‌ی جهانی و اقبال



کشورهای همسو به تأسیس جامعه تمدنی اسلام باید مدلی کارآمد در مقیاس کوچک و در اندازه یک کشور اسلامی به وجود آید.

### پیشنهادها

۱- **تدوین نقشه جامع مهندسی تمدن اسلامی:** همان‌طور که از وسعت متغیرهای دخیل در شکل‌گیری تمدن اسلامی مشخص است، تدوین نقشه جامع مهندسی تمدن اسلامی یک ضرورت است که مقاله حاضر، تلاشی در این زمینه بوده است.

۲- **تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تحقق تمدن اسلامی:** اولین و مهم‌ترین رسالت نخبگان فرهنگی انقلاب اسلامی و مراکز علمی و پژوهشی، تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تحقق تمدن اسلامی است تا براساس آن، جریان دین در تمام عرصه‌ها و سطوح حیات اجتماعی و تمدنی صورت گیرد.

۳- **ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلاب اسلامی در تحقق تمدن اسلامی:** از دیگر الزامات تحقق تمدن اسلامی، ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلاب اسلامی در تحقق تمدن اسلامی است، البته با توجه به پیچیدگی‌های امر اداره و حکومت‌داری در دنیای امروز و با توجه به وابسته شدن ابعاد مختلف توسعه و پیشرفت، نوع حضور و سطح حضور نیروهای انقلابی و نخبه در مسأله تحقق تمدن اسلامی و اداره نظام اسلامی، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی، بسیار متنوع می‌تواند باشد. از یک منظر، این حضور می‌تواند هم در قالب مدیریت و هم مشارکت و مشاورت رخ دهد.

۴- **نقش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و رسالت دانشگاهیان و متفکران دینی:** برای تحقق آرمان تمدن اسلامی، رسالت سنگینی بر دوش دانشگاهیان و متفکران دینی است تا برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تمدن اسلامی را طراحی کنند.

۵- **تهیه سند الگوی بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف:** با توجه به نقش اساسی الگوی مطلوب در عرصه‌های مختلف تمدن نوین، پیشنهاد می‌شود تمامی دستگاه‌های دولتی در حوزه صنعت، خدمات، انرژی و کشاورزی ضمن بررسی و تعیین مصادیق و عناوین اسراف و بی‌انضباطی مصرفی در حوزه برنامه‌ریزی، خدماتی یا اجرایی متبوع این الگوها را تهیه کنند. به‌عنوان مثال تهیه سند الگوی بهینه‌سازی پخش و مصرف در حوزه انرژی (سوخت).

۶- **توجه به گرایش‌ها و ارزش‌ها در کنار افزایش آگاهی و شناخت (دانش):** در مسیر تحقق

تمدن نوین اسلامی علاوه بر دانش و شناخت، نسبت به آن گرایش هم باید شکل گیرد. در تغییر سبک زندگی در راستای تحقق تمدن نوین باید به جامعه هم بینش داد و آگاهی و شناخت را تغییر داد و هم باید گرایش و تمایل به ایجاد چنین سبکی را در جامعه ایجاد کرد.

### منابع

- افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)؛ «قدرت نرم»، فرهنگ و امنیت، دانشگاه امام صادق (ع)، ج ۴.
- الیاس، نوربرت (۱۳۷۷)؛ «تکنیک و تمدن»، ترجمه مراد فرهادپور، ارغنون، صص ۲۴۶-۲۰۹.
- براتلو، فاطمه؛ صنایع، محمد (۱۳۸۸)؛ «درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی»، مجله نامه پژوهش فرهنگی، تابستان، ش ۳۸.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۳)؛ «فیزیک معنا»، یاسر هدایتی، مصاحبه‌کننده، روزنامه همشهری، ش ۳۴۷۴، یکشنبه اول مرداد ۱۳۸۳.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)؛ در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۱)؛ در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، و در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۳)؛ اتحاد و نظریه اقتدار در فلسفه سیاسی اسلام (از منظر آیات قرآن) برگرفته از سایت <http://nokateqoran.ir>
- جهان‌بین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳)؛ «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۹ صص ۲۹-۴۶.
- جوادقربی، سیدمحمد (۱۳۹۲)؛ «بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، مقالات دومین کنفرانس اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- جوادی‌آملی، آیت‌الله (۱۳۹۱)؛ «وابسته بودن هویت انسان به سه عنصر جهانی دانی، جهانی داری و جهان‌آرایی»، بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسرا.
- جوان‌آراسته، حسین (۱۳۸۶)؛ «کارکرد مسجد در حکومت نبوی، حکومت اسلامی، بهار، ش ۴۳.
- چگینی، حسن (۱۳۸۴)؛ «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، ج ۱، تهران: سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۸)؛ اصول الگوی مصرف اسلامی، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- خرمشاد، محمدباقر؛ آدمی، علی (۱۳۸۸)؛ «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز» فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲، ش ۶، تابستان، صص ۱۸-۱۶۱.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۴)؛ تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، در مجموعه مقالات استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذاکر صالحی، غ. (۱۳۸۴)؛ دانشگاه ایرانی، تهران: کویر.

- رجیبی دوانی، محمدحسین؛ خزاعی، علی (۱۳۹۴)؛ «تمدن نوین اسلامی مؤلفه‌ی اثرگذار براستحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، دانشگاه شاهد، ۱۶ مهر ۱۳۹۴.
- زلفی گل، محمدعلی؛ قدسی، علی محمد؛ شیری، مرتضی؛ کیانی‌بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۷)؛ «نوآوری فرهنگی و فرهنگ نوآوری»، *مجله مهندسی فرهنگی*، مرداد و شهریور، ش ۱۹ و ۲۰.
- سیداحمد، رفعت؛ الشبوکی، عمرو (۱۳۸۷)؛ *آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر*، میثم شیروانی، دانشگاه امام صادق (ع).
- شریفیان، فریدون؛ نصر، احمدرضا؛ عابدی، لطفعلی (۱۳۸۴)؛ «تبیین نشانگرهای تدریس اثر بخش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و میزان تحقق آن در دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، س ۱۱، ش ۴.
- صالحی، عباس (۱۳۸۹)؛ *مطالعه زمینه‌های پیدایش و استمرار اسلام‌هراسی در غرب با تأکید بر مسئله تروریسم*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی.
- طوقانی، ابوذر (۱۳۹۲)؛ *عوامل و زمینه‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی*، بی‌نا.
- عزیز، عباس (۱۳۷۶)؛ *فضایل و آثار مسجد در آئینه قرآن و حدیث*، قم: نبوغ.
- عزیزیان، مهدی (۱۳۹۰)؛ *جهاد اقتصادی: الزامات، عوامل و موانع*، قم: زمزم هدایت.
- فرامرزقراملکی، احد (۱۳۸۸)؛ *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*، ج ۲، تهران: سرآمد.
- فرمهبینی‌فراهانی، محسن؛ اشرفی، فاطمه (۱۳۹۳)؛ «اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه»، *پژوهشنامه علمی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۵، ش ۱، بهار و تابستان.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۰)؛ «تمدن نوین براساس عقلانیت اسلامی»، *نشریه مجلس و پژوهش*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۳)؛ «نوربرت الیاس بنیانگذار جامعه‌شناسی فرایند»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان، ص ۱۴۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)؛ *مجموعه آثار*، ج ۶، تهران: صدرا.
- ملاشاهی، مریم (۱۳۹۴)؛ «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، دانشگاه شاهد، ۱۶ مهر ۱۳۹۴.
- ملکی‌جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)؛ *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۱، قرآن در قرآن، ج ۹، قم: اسراء.
- ملکی، حسن؛ ملکی، یاسر (۱۳۹۲)؛ «اخلاق، معنویت، عقلانیت و تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۱۷، ش ۴.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ مشایخی، محمد (۱۳۸۹)؛ «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی – اجتماعی»، *آرمانشهر*، ش ۵، صص ۶۵-۷۸.
- موثقی، احمد (۱۳۷۷)؛ *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سمت.
- موسوی‌لاری، مجتبی (۱۳۸۰)؛ *اسلام و سیمای تمدن غرب*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- میرباقری، سیده‌محمدمه‌دی (۱۳۹۱)؛ *نوآوری و تمدن‌سازی اسلامی*، ویلاگ شخصی.
- ون‌کریکن، روبرت (۱۳۸۶)؛ «معرفی و نقد آثار نوربرت الیاس»، ترجمه داود حیدری، *رشد علوم اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۱، پاییز، ص ۴۴.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی